

Feasibility of the Jurisprudential Basis for Legally Mandating the Allocation of a Share of Polluting Industries' Revenues to Host Communities*

Mahdieh Ghanizadeh¹ 

Manijeh Ramsheh² 

1. Department of Fiqh and Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding Author**). M.ghanizadeh@qom.ac.ir

2. Department of Accounting, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. M.ramsheh@qom.ac.ir



Abstract

The activities of polluting industries, in most cases, not only fail to contribute to the development and advancement of host communities but also impose substantial social and environmental burdens upon them. Therefore, this study employs a descriptive-analytical approach to evaluate the legitimacy of enacting legal regulations that require the allocation of a portion of the revenues of polluting industries to host communities. The findings *indicate* that, in general, obligating industries to allocate expenditures in three areas—compensation for damages, risk prevention and mitigation, and social development—can be regarded as legitimate. Jurisprudential principles such as the *No Harm Rule* (*Qa'idat La Darar*) and the principle of *al-Daman bi al-Kharaj* (liability accompanies benefit) support the obligation to spend on damage compensation, while the *No Harm Rule* also supports expenditures aimed

* Ghanizadeh, M., & Ramsheh, M. (2026). The jurisprudential feasibility of legally mandating the allocation of a share of polluting industries' revenues to host communities. *Fiqh*, 33(1), 35–61. <https://doi.org/10.22081/jf.2026.74416.3026>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/09/27 • **Revised:** 2026/01/22 • **Accepted:** 2026/02/22 • **Online Publication:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



at risk prevention and reduction. With regard to expenditures directed toward the social development of host communities, the principle of justice and fairness may be considered a sound basis for such obligations. Despite the legitimacy of legally requiring polluting industries to incur these expenditures, existing laws lack the necessary comprehensiveness and coherence and cover only certain specific industries. Furthermore, no transparent and binding mechanism has been established for allocating the collected funds to damage compensation, prevention measures, and social development. Accordingly, this study emphasizes the necessity of enacting a comprehensive and integrated legal framework to regulate the responsibilities of polluting industries and to ensure the purposeful allocation of resources.

Keywords

Polluting Industries; Damage Compensation; Prevention Costs; Social Development Costs.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امکان‌سنجی فقهی الزام قانونی نسبت به تخصیص سهمی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان*

id^۱ مهدیه غنی‌زاده
 id^۲ منیژه رامشه

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

M.ghanizadeh@qom.ac.ir

۲. گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران.

M.ramshe@qom.ac.ir

چکیده

فعالیت صنایع آلاینده، در بیشتر موارد نه تنها در مسیر توسعه و پیشرفت جوامع میزبان قرار نمی‌گیرد، بلکه فشارهای اجتماعی و محیطی فراوانی را بر آنان تحمیل می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد است تا مشروعیت وضع مقرر قانونی نسبت به تخصیص بخشی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان را ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به نحو کلی می‌توان الزام صنایع به هزینه‌کرد در سه حوزه، جبران خسارت، پیشگیری و کاهش ریسک و حوزه توسعه اجتماعی، مشروع تلقی کرد. ادله‌ای چون قاعده لاضرر، قاعده الضمان بالخراج بر لزوم هزینه‌کرد در حوزه جبران خسارت و قاعده لاضرر، بر لزوم هزینه‌کرد در حوزه پیشگیری و کاهش ریسک دلالت دارد. اما در خصوص هزینه‌کرد صنایع در راستای توسعه اجتماعی جوامع میزبان، قاعده عدل و انصاف را می‌توان دلیلی متقن بر لزوم هزینه‌کرد در این حوزه دانست. علیرغم مشروعیت الزام قانونی صنایع

* غنی‌زاده مهدیه؛ رامشه، منیژه. (۱۴۰۵). امکان‌سنجی فقهی الزام قانونی نسبت به تخصیص سهمی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان. فقه، ۳۳(۱)، صص ۳۵-۶۱.

<https://doi.org/10.22081/jf.2026.74416.3026>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© ۱۴۰۵ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



آلاینده به هزینه کرد، قوانین موجود از جامعیت و انسجام لازم برخوردار نیستند و تنها برخی صنایع خاص را در برمی گیرند. همچنین سازوکار شفاف و الزام آوری برای نحوه تخصیص وجوه دریافتی به جبران خسارت، پیشگیری و توسعه اجتماعی پیش بینی نشده است. از این رو، پژوهش حاضر بر ضرورت تدوین قانون جامع و یکپارچه برای تنظیم مسئولیت صنایع آلاینده و نحوه مصرف هدفمند منابع تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها

صنایع آلاینده، جبران خسارت، هزینه پیشگیری، هزینه توسعه اجتماعی.



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، سرعت رشد صنعتی و توسعه بخش تولید در بسیاری از کشورها، بویژه جوامع در حال توسعه، زمینه‌ساز افزایش قابل توجه آلودگی هوا و پیامدهای منفی زیست‌محیطی آن شده است. در این میان، صنایع آلاینده که سهم عمده‌ای در انتشار گازها و ذرات معلق زیان‌آور دارند، بیشترین آلودگی را بر مناطق پیرامون خود تحمیل کرده و به تبع آن ساکنان جوامع میزبان را در معرض مخاطرات جدی بهداشتی و جانی قرار می‌دهند. از منظر اقتصاد محیط‌زیست، بخش قابل توجهی از این پیامدها در قالب پیامدهای خارجی منفی قابل تبیین است؛ به این معنا که هزینه‌های اجتماعی ناشی از فعالیت صنایع آلاینده، نظیر افزایش بیماری‌های تنفسی، کاهش کیفیت زندگی و تخریب محیط زیست، در ساختار هزینه‌ای بنگاه منعکس نشده و به جامعه میزبان تحمیل می‌گردد. چنین وضعیتی مصداق بارز شکست بازار بوده و موجب فاصله گرفتن نتایج فعالیت‌های اقتصادی از وضعیت بهینه اجتماعی می‌شود. در این چارچوب، نظریه‌های اقتصاد عمومی بر این نکته تأکید دارند که در صورت بروز پیامدهای خارجی منفی، اتکای صرف به سازوکار بازار ناکارآمد بوده و مداخله دولت از طریق ابزارهای تنظیم‌گری اقتصادی نظیر وضع الزام قانونی نسبت به تخصیص بخشی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان، امری موجه و ضروری تلقی می‌گردد (ترنر و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به منشأ فقهی قوانین موضوعه در ایران، مقاله حاضر کوشیده است با تکیه بر مبانی فقهی و ادله شرعی، چارچوبی نظری برای الزام صنایع آلاینده به تخصیص بخشی از درآمد خود به جوامع میزبان را فراهم آورد. در این راستا، ابتدا هزینه‌کرد صنایع در سه حوزه کلی اعم از هزینه‌های جبران خسارت، هزینه‌های پیشگیری و کاهش ریسک و هزینه‌های توسعه اجتماعی، تعریف شده است. سپس از منظر فقهی، مشروعیت الزام صنایع نسبت به هزینه‌کرد در هر یک از این حوزه‌ها مورد بررسی واقع شده است.

در خصوص پیشینه پژوهش، مطابق تحقیقات انجام گرفته توسط نویسندگان، پژوهش مستقلی تاکنون به این مسئله نپرداخته است. اگرچه در خصوص لزوم حفاظت محیط زیست در فقه، پژوهش‌هایی انجام گرفته است مانند مقاله «اهتمام به محیط زیست

در فقه و فرهنگ امام خمینی (ره) (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۴)، یا مقاله «بررسی مبانی و منابع حمایت از محیط زیست از منظر فقه و حقوق» (اعلانی، ۱۳۹۸)، اما مسئله پژوهش حاضر، چنان که بیان شد فراتر از تبیین ضرورت حفظ محیط زیست، به بررسی ضرورت تخصیص بخشی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان می‌پردازد. به گونه‌ای که چنین تخصیص و هزینه‌کردی ممکن است، مربوط به حوزه زیست‌محیطی باشد اعم از جبران خسارت یا پیشگیری از خسارت یا حتی فراتر از آن به حوزه توسعه اجتماعی تعلق گیرد.

۲. تأثیر صنایع آلاینده بر جوامع میزبان

شواهد حاکی از آن است که فعالیت صنایع آلاینده، در اغلب موارد نه تنها در مسیر توسعه و پیشرفت جوامع میزبان قرار نمی‌گیرد، بلکه رفاه اجتماعی، سلامت انسان و حتی اقتصاد این مناطق را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

مطالعات متعدد، بیانگر آنند که فعالیت گسترده این صنایع، می‌تواند هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی را بر مناطق صنعتی تحمیل کند. به‌عنوان‌برای نمونه در کشور چین، مطالعه‌ای نشان داده است که آلودگی هوا به واسطه افزایش هزینه‌های درمانی و کاهش بهره‌وری نیروی کار، کارایی اقتصادی را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد (Fang et al., 2021). افزون بر هزینه‌های اقتصادی، از دست رفتن سلامت عمومی یکی از بحران‌های رایج در مناطق صنعتی است. به‌طور خاص، آلودگی صنعتی با بروز مشکلاتی چون اختلالات تنفسی (Al-Wahaibi & Zeka, 2015)، افزایش نرخ ابتلا به سرطان (Eom et al., 2018) و مرگ و میر زودرس (Rahman, Alam, & Velayutham, 2021) در ارتباط است.

از منظر زیست‌محیطی نیز فعالیت صنایع به آلودگی آب، هوا و خاک منجر شده، زیستگاه‌ها را تخریب کرده و تنوع زیستی را به‌طور جدی کاهش می‌دهد (Tam et al., 2023). برای مثال، گزارش آژانس محیط زیست اروپا (European Environment Agency) بیانگر آن است که در سال ۲۰۲۰، حدود ۵۹ درصد از وسعت جنگل‌های اروپا با سطوح ازون بالاتر از حد بحرانی مواجه بودند که رشد گیاهان را کاهش داده و تنوع زیستی را تهدید می‌کند (European Environment Agency, 2022).

افزون بر این، آلودگی ناشی از صنایع می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر اشتغال و معیشت ساکنین جوامع میزبان داشته باشد. برای نمونه در بخش کشاورزی مناطق صنعتی، از دیدگاه اکولوژیکی، اوزون سطح پایین (O_3) با نفوذ به سلول‌های گیاهی باعث کاهش نرخ فتوسنتز، کندی رشد و افزایش آسیب پذیری در برابر آفات می‌شود. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۹، این پدیده به کاهش تنوع زیستی و افت عملکرد محصولات کشاورزی نظیر گندم و سیب زمینی در جوامع صنعتی انجامید (European Environment Agency, 2022).

ورود آلاینده‌ها به اکوسیستم‌های آبی، سلامت ماهیان را به خطر می‌اندازد و این امر به نوبه خود، معیشت ماهیگیران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به همان نحو که تلفات قابل توجه در آبروی پروری ایجاد می‌کند و منجر به خسارت اقتصادی شدید در واحدهای پرورش ماهی و کاهش روزافزون اشتغال در این بخش می‌گردد (Mustafa et al., 2024).

۳. نمونه‌هایی از الزام به بازگرداندن بخشی از درآمدهای صنعتی به جوامع میزبان

در سطح جهانی، برخی از کشورها، صنایع را به‌طور قانونی، به هزینه‌کرد بخشی از درآمد خود در جوامع میزبان، ملزم کرده‌اند. نمونه بارز آن را می‌توان در کشور هند، ملاحظه کرد. در هند، قانون اصلی که اکتشاف و استخراج مواد معدنی را تنظیم می‌کند، قانون MMDR است. در سال ۲۰۱۵ اصلاحیه قانون مزبور، ایجاد بنیادهای معدنی منطقه‌ای (DMF) را برای استفاده از حق سهم‌های معدنی در توسعه محلی الزامی ساخت. هدف از این سازوکار این بود که بخشی از عواید حاصل از استخراج معادن به افراد و مناطق متأثر از معدن بازگردد. بنابراین مطابق این قانون، شرکت‌هایی که معدن در اختیار داشتند موظف بودند سهمی از حق الامتیاز استخراج را به DMF پرداخت کنند. در نهایت، این وجوه صرف توسعه زیرساخت، خدمات عمومی، آب، بهداشت، آموزش، رفاه اجتماعی، محیط زیست و پروژه‌های ارتقاء منطقه یعنی همان جوامع محلی می‌شد (PRS Legislative Research, 2021) به بیان دیگر، از آنجاکه استخراج معدن معمولاً بار زیست محیطی، تخریب زمین یا محیط زیست و فشار بر زیرساخت منطقه را

به دنبال می‌آورد، مطابق قانون DMF، سهمی از منابع مالی معدن به همان منطقه اختصاص می‌یافت.

قانون جدید صنعت نفت نیجریه، شرکت‌های نفت و گاز را موظف می‌کند، ۳ درصد از هزینه‌های عملیاتی سالانه خود را به صندوق توسعه جوامع میزبان واریز کنند. هدف این صندوق، تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای در جوامع محلی آسیب دیده توسط اکتشاف و تولید نفت است (Ovwigbo, 2025).

مطابق قانون^۱ SB 535 کالیفرنیا، بخشی از عواید حاصل از مزایده مجوزهای انتشار گازهای گلخانه‌ای باید صرف پروژه‌هایی شود که مستقیماً به مناطقی که بیشترین فشارهای زیست‌محیطی را تحمل کرده‌اند، نفع برساند. از آنجا که بیشترین آسیب و فشار حاصل از آلاینده‌گی صنایع بر شهرهای صنعتی، وارد می‌آید، می‌توان گفت مطابق این قانون نیز بازگشت برخی از عواید صنعتی به جوامع محلی و میزبان، مدنظر قرار گرفته است (California Legislative Information, 2012).

۴. عملکرد کشور ایران در مسئله حاضر

در جمهوری اسلامی ایران، الزام صنایع آلاینده برای اختصاص بخشی از درآمد خود به جامعه میزبان به صورت پراکنده در قوانین معدودی، پیش‌بینی شده است. برای نمونه در قانون مالیات بر ارزش افزوده، واحدهای آلاینده ملزم به پرداخت عوارض سبز می‌باشند (ماده ۲۷). مراد از عوارض سبز، مالیات زیست‌محیطی است که بر منابع تولید آلودگی یا انتشار گازهای گلخانه‌ای وضع می‌شود تا با درونی سازی هزینه‌های منفی زیست محیطی، استفاده از انرژی تجدیدپذیر و فناوری‌های پاک، تشویق گردد. به بیان دیگر، عوارض سبز بر انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی اعمال می‌گردد و در واقع، هدف از آن این است که آلاینده، هزینه‌های آلودگی از جمله پیشگیری، کنترل و کاهش را بر عهده گیرد (مرتضایی و سامتی، ۱۴۰۲، ص ۹۷). چنانچه متن ماده ۲۷ قانون مالیات

1. Senate Bill 535.

بر ارزش افزوده بر می آید نیز به روشنی گویای همین امر است.

مطابق ماده ۴۰ قانون مزبور، لازم است این عوارض در اختیار مناطق متأثر از آلودگی قرار گیرد. البته مطابق آیین نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده، لازم است حداقل پنجاه درصد از عوارض مزبور در راستای بهسازی، توسعه و حفاظت فضای سبز، گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی، بهینه سازی مصرف آب و انرژی در ساختمان ها و اماکن عمومی، مدیریت پسماند، پایش آلودگی و تصفیه و بازچرخانی فاضلاب، کاهش و رفع آلودگی، هزینه شود. بدین ترتیب، قانون مالیات بر ارزش افزوده در عمل سازوکاری برای تخصیص منابع صنایع آلاینده به نهادهای محلی و مصارف محیط زیستی در نظر گرفته است. علیرغم وجه مثبت اقدام مزبور، عوارض سبز در واقع، سیاست گذاری در راستای اصلاح آثار منفی زیست محیطی است، آن گونه که هزینه کرد آن نیز در همین راستا متعین شده است. اما مدعای پژوهش حاضر، فراتر از مالیات و عوارض سبز، لزوم تأمین مزایای جبرانی برای جوامع میزبان به عنوان حقی است که جامعه مزبور نسبت به درآمد صنایعی دارد که از منابع آن منتفع گردیده و در قبال آن آثار منفی زیست محیطی را بر آن متحمل می سازند. آثاری که نه تنها محیط زیست بلکه کیفیت زندگی ساکنین این مناطق را نیز متأثر می سازد؛ لذا افزون بر هزینه کرد درآمد در راستای کاهش اثرات زیست محیطی، لازم است بخشی از آن صرف عمران این مناطق و رفاه ساکنین آن شود. البته ایراد مهم دیگری که در خصوص این قانون وجود دارد، مربوط به مرحله اجرا است به نحوی که از سویی، توزیع درآمد در برخی موارد با معضلات زیست محیطی، تناسب ندارد. از سوی دیگر، عدم شفافیت در نحوه هزینه کرد عوارض دریافتی امروزه رویه ای فسادزا را در این مسئله به دنبال آورده است (رضایی و سلیمانی، ۱۴۰۴، ص ۶).

قانون دیگری که به نحو کلی، الزام به بازگرداندن بخشی از درآمد صنعت به جامعه میزبان را مطرح کرده است، آیین نامه اجرایی قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشی از فروش نفت خام برای عمران و آبادانی مناطق نفت خیز است. نمونه مشابه دیگر، آیین نامه اجرایی بند الف، ماده ۱۴ قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی

ایران با موضوع اختصاص سه درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی به مناطق نفت خیز و گازخیز و مناطق کمتر توسعه یافته کشور است. این قوانین اگرچه از حیث لحاظ نمودن حق جوامع میزبان، گامی مثبت به سوی عدالت برداشته‌اند اما عدالت زمانی به نحو کامل محقق می‌شود که اولاً ساز و کار قانونی دقیقی برای نحوه توزیع درآمد صنعت در جامعه میزبان مشخص گردد. ثانیاً تمامی صنایع، مشمول چنین الزامی واقع گردند؛ بنابراین به نظر آنچه در کشور ایران، ضرورت دارد، تصویب قانونی جامع در خصوص لزوم تخصیص بخشی از درآمد صنایع آلاینده به جوامع میزبان است که بر حسن اجرای آن نظارتی دقیق، صورت گیرد.

۵. مبانی فقهی الزام صنایع آلاینده به هزینه کرد بخشی از درآمد خویش در جوامع میزبان

چنان‌که بیان شد، فعالیت صنایع آلاینده خواه ناخواه جوامع میزبان و کیفیت زندگی ساکنین آن را تحت تأثیر اثرات سوء خویش قرار می‌دهد، بنابراین الزام صنایع مزبور به تخصیص بخشی از درآمد خویش به آبادانی و توسعه این جوامع و رفاه شهروندان آن را به نحو کلی می‌توان اقدامی، موجه تلقی کرد. به زعم نویسندگان، هزینه کرد صنایع در جوامع میزبان را به نحو کلی می‌توان ذیل سه دسته هزینه جبران خسارت، هزینه پیشگیری و کاهش ریسک و هزینه توسعه اجتماعی، تقسیم کرد. از آن حیث که اولاً فعالیت صنایع می‌تواند تأثیرات سوء زیست‌محیطی را در پی داشته باشد؛ بنابراین پیش از هر اقدام دیگری لازم است، تدابیری اتخاذ شود که خطر آلاینده‌گی و پیامدهای زیست‌محیطی را تا حد ممکن کاهش دهد و زمینه فعالیت صنعتی به نحو ایمن را فراهم آورد. مسلماً یکی از این تدابیر، هزینه کرد صنعت در راستای پیشگیری و کاهش ریسک آلاینده‌گی است. ثانیاً چنانچه فعالیت صنایع، خسارات زیست‌محیطی را به همراه آورد، مسلماً لازم است بار مالی جبران آن را بر عهده گیرد؛ بنابراین یکی از محورهای مهم هزینه کرد صنایع مربوط به جبران خساراتی است که از فعالیت آنان ناشی می‌شود. ثالثاً از آنجاکه صنعت از امکانات و سرمایه‌های جامعه بهره‌مند می‌شود، ملاحظات عدالت

توزیعی ایجاد می‌کند که بخشی از درآمد صنعت برای تأمین نیازها و بهبود شرایط جامعه میزبان هزینه شود؛ بنابراین هزینه کرد صنعت در راستای توسعه اجتماعی جامعه میزبان، ضرورت می‌یابد.

حال، با توجه به تقسیم بندی مزبور، در این بخش برآنیم از نقطه نظر مبانی فقهی، جواز الزام صنایع به هزینه کرد در هر یک از این زمینه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

۵-۱. مبانی فقهی الزام صنایع آلاینده به پرداخت هزینه جبران خسارت جوامع میزبان

چنان‌که ذکر شد، در بسیاری مواقع، فعالیت صنایع آلاینده، خسارات عدیده زیست محیطی، بهداشتی و اقتصادی را برای جوامع میزبان به همراه می‌آورد. اگر بخواهیم به نمونه عینی آن در کشور ایران اشاره کنیم، می‌توان تأثیرات سوء فعالیت صنایع گاز و پتروشیمی در منطقه عسلویه را بر اکوسیستم محلی، بخش کشاورزی و سلامت ساکنین منطقه ملاحظه نمود (کشمیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۲). در این وضعیت، الزام قانونی صنایع نسبت به هزینه کرد در راستای جبران خسارات جوامع میزبان از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. هدف از هزینه کرد در این حوزه آن است که بار هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب زیست محیطی که بر جوامع میزبان تحمیل می‌شود، مستقیماً بر صنایع تحمیل کننده و عامل، اعمال شود و بدین ترتیب، صنایع به سمت گزینه‌های پاک‌تر و ایمن‌تر، سوق داده شوند. آن‌گونه که بررسی‌های تجربی نشان داده‌اند اجرای سیستم‌های جبران زیست محیطی، تأثیر بسیاری در کاهش انتشار آلاینده‌ها دارد (Zhang et al., 2025).

از منظر فقهی، هزینه کرد در این حوزه از چند جهت قابل توجیه است، از سویی بر مبنای قاعده لا ضرر و از سوی دیگر بر مبنای قاعده الخراج بالضمنان، قابل توجیه است.

۵-۱-۱. تطبیق قاعده لا ضرر بر لزوم پرداخت هزینه جبران خسارت

چنان‌که ذکر شد، در بسیاری مواقع، فعالیت صنایع آلاینده، خسارات عدیده زیست محیطی، بهداشتی و اقتصادی را برای جوامع میزبان به همراه می‌آورد. حال در فرضی

که ضرر در جامعه میزبان محقق شده باشد، یکی از قواعدی که صنعت آلاینده را ملزم به جبران خسارت می‌داند، قاعده لاضرر است. مطابق این قاعده، به عنوان یکی از قواعد مشهور فقهی، مشروعیت هر نوع ضرر و اضرار در شرع مقدس اسلام، نفی گردیده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۰). در قاعده مزبور، ضرر، ضد منفعت و مراد از آن نقصان و خسارت است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴۴). بر مبنای این قاعده، فقهاء، یکی از اسباب و موجبات ضمان را ضرر رساندن به غیر دانسته‌اند. بدین معنا که هر کس به دیگری ضرر رساند، ملزم به جبران و تدارک آن می‌باشد (آخوند خراسانی، بی تا، ص ۳۸۲).

حال، در خصوص خسارات صنایع آلاینده به جامعه میزبان، چنین خسارتی گاه مستقیماً متوجه ساکنین جوامع است، مانند آنچه در خصوص آسیب به معیشت ساکنان در بخش کشاورزی، مشاهده شد، گاه این خسارت، در بدو امر متوجه محیط زیست است. نسبت به خسارات دسته اول، بر مبنای قاعده لاضرر، منشأ ضرر یعنی صنعت آلاینده، ملزم به تدارک و جبران خسارت است. اما در خصوص دسته دوم، ممکن است بر مبنای فهم سنتی از قاعده، ضرر را ناظر به اشخاص تلقی کرده و در نتیجه، شمول قاعده لاضرر در این موضع، مورد تردید واقع شود. آنچه لازم است در این موضع، مورد توجه قرار گیرد این است که اولاً غالب آسیب‌های زیست محیطی در نهایت، متوجه انسان می‌شود. به گونه‌ای که هر چند این خسارات در ظاهر، متوجه محیط زیست است، اما در عمل، به نحو غیر مستقیم، ابعاد مختلف زندگی انسان اعم از سلامت، رفاه و معیشت او را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین آسیب‌های زیست محیطی، خواه ناخواه ناظر به اشخاص بوده و مشمول قاعده لاضرر می‌شود. ثانیاً آسیب‌های زیست محیطی از سنخ ضرر عمومی به‌شمار می‌رود، با توجه به عمومیت قاعده لاضرر نسبت به عدم مشروعیت ضرر، می‌توان ادعا کرد این قاعده همه اقسام ضرر اعم از فردی و عمومی را شامل می‌شود. افزون بر آن، در فرضی که لاضرر، ضرر شخصی را دربرگیرد، به طریق اولی، ضرر عمومی که گستره تأثیر آن فراتر است را نیز دربر می‌گیرد. ثالثاً با توجه به آنکه حق بهره‌برداری از محیط زیست، نوعی حق مشترک میان تمامی ابناء بشر است؛ از این رو آسیب به آن در واقع، تضییع حقوق غیر به‌شمار رفته و مشمول قاعده لاضرر می‌شود.

در نتیجه، در فرضی که فعالیت صنایع آلاینده از جهات مختلف، خسارات زیست محیطی، بهداشتی و اقتصادی را برای جوامع میزبان به همراه آورد، خواه این آسیب‌ها مستقیماً متوجه اشخاص باشد یا آنکه به نحو مستقیم، محیط زیست را متأثر سازد، مطابق آموزه‌های شرعی و بر پایه قاعده لا ضرر، صنایع را می‌توان به‌عنوان منشأ ضرر، ملزم به جبران و تدارک خسارت به‌شمار آورد. به تبع این امر، الزام صنایع به تخصیص بخشی از درآمد خویش به جوامع میزبان به‌عنوان غرامت و هزینه جبرانی برای آسیب‌های وارده، امری مشروع و غیر قابل انکار است؛ بنابراین نظر بر آنکه وظیفه حاکمیت تأمین مصالح عمومی است، وضع الزام قانونی نسبت به تخصیص بخشی از درآمد جامعه میزبان در راستای جبران خسارات وارده، امری مشروع و فراتر از آن امری ضروری به‌شمار می‌رود.

۵-۱-۲. تطبیق قاعده الخراج بالضمان بر لزوم پرداخت هزینه جبران خسارت

قاعده الخراج بالضمان یکی دیگر از قواعد مشهور فقهی به‌شمار می‌رود که بر مبنای آن می‌توان الزام بر پرداخت هزینه جبران خسارت از سوی صنایع آلاینده را توجیه کرد. در این قاعده، مراد از خراج، منفعت است و ضمان، در مقابل آن به معنای غرامت و جبران خسارت است. لذا با توجه به استعمال باء مقابله (بالضمان) در این عبارت می‌توان گفت مراد از قاعده این، است که هر کس، از منفعت چیزی بهره برد، باید از عهده خسارات آن نیز برآید (خمینی، بی‌تا، ج ۱، صص ۴۷۰-۴۶۹).

آن‌گونه که از این قاعده، به قاعده من لَه الغنم فعليه الغرم نیز تعبیر می‌شود. مراد از غنم، منفعت و سود و مراد از غرم، ضرر و زیان است. مطابق این قاعده نیز تلازم نماء و درک یا نفع و ضرر امری است ضروری. بدین معنا که هر کس از چیزی فایده و نفع برد باید جبران خسارت آن را نیز عهده‌دار گردد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸۴). این قاعده در حقیقت، بر نوعی، تعادل میان سود و زیان، متکی است. از این‌رو هر شخصی که به انتفاع و بهره‌برداری از محیط زیست می‌پردازد، لازم است خسارت ناشی از این بهره‌برداری را نیز بپذیرد. در خصوص صنایع آلاینده نیز با توجه به آنکه از منابع طبیعی، محیط، نیروی

انسانی و زیرساخت‌های جامعه میزبان بهره‌مند می‌شوند و از این رهگذر سود اقتصادی به دست می‌آورند؛ طبق قاعده فقهی مذکور، لازم است در برابر اثرات مخرب فعالیت و بهره‌برداری خویش مسئول باشند. از این رو، می‌توان ادعا کرد، مطابق قاعده مزبور، الزام صنایع به تخصیص بخشی از درآمد خویش در جهت جبران خسارات وارده بر جامعه میزبان، مشروع و موجه به‌شمار می‌رود.

۵-۱-۳. عملکرد قانونگذار ایران در این مسئله

لزوم جبران خسارت زیست‌محیطی در قوانین متعددی مورد اشاره واقع شده است. برای نمونه در تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، صاحبان و مسئولان واحدهای آلود کننده به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست، ملزم شده‌اند (قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴). در تبصره مزبور، اگرچه الزام به جبران خسارت زیست‌محیطی لحاظ شده است اما به‌طور خاص از جامعه میزبان به‌عنوان محل هزینه‌کرد این غرامت، یاد نشده است. در ماده ۱۵ قانون حفاظت از خاک، سازمان محیط زیست، مکلف دانسته شده تا واحد آلاینده را به حذف منشأ آلودگی، بازسازی خاک و جبران خسارت وارده ملزم نماید. در ماده ۱۶ قانون مزبور نیز تخریب کنندگان خاک را پس از اخطار وزارت موظف به توقف فعالیت، بازسازی خاک و جبران خسارت کرده است. در این دو ماده، بازسازی خاک تخریب شده و آسیب دیده در حقیقت، نوعی جبران خسارت زیست‌محیطی است که قانونگذار برای واحدهای متخلف، لحاظ نموده است. همچنین در آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون مزبور، مواردی چون کاهش و رفع آلودگی به لزوم هزینه‌کرد این عوارض در راستای جبران آلودگی‌های پدید آمده در آب، هوا و خاک دلالت دارد. به همان نحو که تصفیه و بازچرخانی فاضلاب به‌عنوان یکی دیگر از موارد متعین، جهت هزینه‌کرد عوارض سبز نیز به جبران آلودگی‌های آبی حاصل از فعالیت صنایع اشاره دارد. آنچه در این بین، دارای اهمیت است این است که همان‌گونه که ملاحظه شد، خسارات ناشی از فعالیت صنایع آلاینده به خسارات زیست‌محیطی محدود نمی‌باشد، بلکه در بسیاری مواقع،

سلامت ساکنین جوامع میزبان، معیشت و اشتغال آنان نیز تحت تأثیر فعالیت صنایع مزبور قرار می‌گیرند؛ از این رو ضروری است به تصریح، تدابیری در راستای جبران چنین خساراتی نیز اتخاذ گردد.

۵-۲. مبانی فقهی الزام صنایع آلاینده به پرداخت هزینه پیشگیری و کاهش ریسک در

جوامع میزبان

با توجه به آنکه در فعالیت صنایع، احتمال ایجاد آلودگی و بروز خسارات زیست‌محیطی وجود دارد، هدف از هزینه‌کرد در این حوزه، آن است که فعالیت صنایع به نحو ایمن و با اتخاذ ساز و کارهایی انجام گیرد که ریسک آلاینده‌گی و خسارات ناشی از آن را کاهش دهد. در تجربه‌ای موفق، شرکت خودرو سازی تویوتا با به کارگیری اصول تولید ناب و پیاده‌سازی رویکرد صفر پسماند، در کارخانه‌های خود موفق شد بیش از ۹۰ درصد ضایعات تولیدی را بازیافت و مجدداً مصرف کند. این اقدام نه تنها به کاهش چشمگیر انتشار آلاینده‌ها منجر شد بلکه موجب ارتقای روابط شرکت با جوامع میزبان شد (Matsumoto, & Allen, 2023). از منظر فقهی، قاعده لا ضرر می‌تواند، مبنایی برای توجیه الزام صنایع به هزینه‌کرد در حوزه مذکور به‌شمار رود.

۵-۲-۱. تطبیق قاعده لا ضرر بر لزوم پرداخت هزینه پیشگیری و کاهش ریسک

آن‌گونه که بیان شد، مطابق قاعده لا ضرر، ضرر و زیان از دیدگاه شرع مقدس اسلام، فاقد مشروعیت است. از سویی، عدم مشروعیت، ضرر هم مرحله جعل و قانونگذاری و هم مرحله اجرای حکم و قانون را در برمی‌گیرد. از این حیث، خداوند متعال، در مقام تشریع، حکم ضرری، جعل نکرده است و احکام الهی نوعاً ضرری به‌شمار نمی‌روند. حال، اگر در مرحله اجرای حکم نسبت به فردی، حکم، ضرری به‌شمار رود، شرع مقدس به‌طور موردی، آن را مرتفع می‌داند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۰).

افزون بر آن با توجه به آنکه قاعده لا ضرر، به نحو کلی ضرر را در ناحیه تشریع، معدوم اعلام کرده است، به همان نحو که اگر وجود حکم یا قانون، عامل اضرار به‌شمار

رود، لا ضرر آن را بر می‌دارد، به همان نحو نیز چنان که عدم حکم، عامل اضرار باشد، لا ضرر به واسطه جعل حکم، ضرر را دفع می‌کند. به بیان دیگر، لا ضرر هم نقش بازدارنده ایفا می‌کند و هم نقش سازنده (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶۰).

بنابراین نظر بر آنکه فعالیت صنایع الاینده نوعاً می‌تواند خسارت‌زا باشد، عدم هزینه کرد در جهت پیشگیری از وقوع خسارت و کاهش ریسک، عاملی برای اضرار جوامع میزبان به‌شمار خواهد رفت. در نتیجه قاعده لا ضرر، از باب دفع ضرر و مفسده در این مقام بر لزوم هزینه کرد صنایع در این حوزه، حکم خواهد نمود.

البته ممکن است در پاسخ به این استدلال چنین گفته شود که صرف نظر از چنین هزینه‌هایی منجر به تسهیل فعالیت صنایع و سود دهی بهتر آنها و در نهایت منجر به توسعه ملی می‌شود. حال چنانچه بگوییم، در مسئله تخصیص درآمد صنایع به منظور پیشگیری و کاهش ریسک در جوامع میزبان، از یک سو الزام به این امر می‌تواند موجبات حفظ محیط زیست و سلامت و رفاه ساکنین جوامع محلی را به دنبال آورد. در مقابل، عدم چنین الزامی، هزینه کمتری را بر صنایع تحمیل کرده و در نتیجه آنان را به سود دهی بهتر می‌رساند. در این فرض، در واقع با مسئله تراحم حقین روبرو می‌باشیم، بدین نحو که در یک سو، حق توسعه اقتصادی صنایع به‌عنوان شخصیت‌های حقوقی مطرح می‌شود و از سوی دیگر، حق بر محیط زیست سالم، حق بر سلامت، حق بر رفاه، حقوقی است که در خصوص جامعه میزبان مطرح می‌شود. حال، در مقام عمل، دولت با دو تکلیف مواجه است رعایت حق صنایع و تسهیل اقدامات آنان در راستای دستیابی به سود دهی حداکثری و رعایت حق جوامع میزبان و الزام صنایع به هزینه کرد بخشی از درآمد خویش به منظور پیشگیری از آسیب جوامع. حال، در مقام تراحم حقوق و تکالیف از جمله قواعد پر کاربرد فقهی، قاعده تقدم اهم بر مهم است مطابق قاعده مزبور، چنانچه در مقام عمل نتوان بین دو حق یا دو حکم جمع نمود، در این فرض، عقل بر تقدم و رحجان آنچه مهمتر از دیگری باشد، حکم می‌کند (سیفی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳).

در فرض حاضر، عدم اتخاذ تدابیر پیشگراانه از جانب صنایع و بی‌مبالاتی آنان، از سویی ممکن است جان و مال ساکنین جوامع میزبان را به خطر اندازد و از سوی دیگر، ممکن

است تخریب محیط زیست را به همراه آورد. حال آنکه، اولاً جان و مال مردم از مقاصد اصلی شریعت به شمار می‌رود که بر رونق تولید و سود دهی صنایع اولویت دارد. ثانیاً منافع حاصل از حفظ محیط زیست، همیشگی بوده و متوجه نسل بشر می‌شود و منافع توسعه توأم با تخریب زیست محیطی، موقت است. از این رو در مقام تعارض حقین، دولت مکلف است در سیاست گذاری خویش، جانب مصلحت اهم را که در رعایت حق جوامع میزبان نهفته است، مقدم دارد. در نتیجه بر مبنای قاعده تقدم اهم بر مهم نیز الزام صنایع آلاینده به پرداخت هزینه پیشگیری و کاهش ریسک در جوامع میزبان از توجیه شرعی برخوردار است. افزون بر آنکه نفع چنین هزینه‌ای نه تنها به جوامع میزبان بلکه در نهایت به خود صنایع خواهد رسید. از آن جهت که مطابق تجارب، چنین اقدامی حتی سود صنایع را در بلند مدت به همراه می‌آورد حتی سود صنایع را در بلند مدت به همراه می‌آورد؛ چراکه عاملی برای بهبود روابط صنعت با جوامع میزبان، افزایش رضایت کارکنان و سهامداران است (Matsumoto, & Allen, 2023).

همچنین هزینه کرد اولیه به منظور پیشگیری و کاهش ریسک، از بروز خسارت و بحران‌های بزرگ زیست محیطی ممانعت می‌کند و در واقع، هزینه این پیشگیری به مراتب کمتر از هزینه، بازیابی پس از بروز حادثه است؛ لذا از این حیث نیز چنین اقدامی در بلند مدت به سود صنایع خواهد بود.

۵-۲-۲. عملکرد قانونگذار ایران در این مسئله

در قوانین موضوعه ایران، لزوم هزینه کرد در حوزه پیشگیری از مخاطرات زیست محیطی، امری مسلم تلقی شده، به نحوی که در مقررات مختلف به طور گسترده، مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، مطابق ماده ۱۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، احداث کارخانجات و کارگاه‌های جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاه‌های موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشند. به بیان دیگر، در این ماده، پیش شرط هر فعالیت صنعتی، رعایت ضوابط زیست محیطی در راستای ممانعت از آسیب‌های محیطی دانسته شده است.

همچنین در آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون مزبور، مواردی به‌عنوان هزینه‌کرد عوارض سبز متعین شده است که لازم است حداقل ۵۰ درصد این عوارض در این طرق، هزینه گردد. از بین موارد مزبور، مواردی چون پایش آلودگی که با نصب ایستگاههای سنجش مداوم کیفیت آب و هوا ممکن می‌شود، بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی در ساختمان‌ها و اماکن عمومی به‌عنوان عامل کاهش ریسک مصرف غیر ضروری و آلودگی ثانویه، مدیریت پسماند به‌عنوان عاملی که از خطرات زیستی و شیمیایی جلوگیری می‌کند، مصادیقی از هزینه‌کرد صنایع در راستای پیشگیری و کاهش ریسک در جوامع میزبان است.

۵-۳. مبانی فقهی الزام صنایع آلاینده به پرداخت هزینه توسعه اجتماعی جوامع میزبان

هدف از پرداخت هزینه توسعه اجتماعی در جوامع میزبان، هزینه‌کرد صنعت در راستای توانمندسازی جوامع میزبان و بهبود کیفیت ساکنین این جوامع است. به عبارت دیگر در این حوزه هزینه، هدف، تعمیم هزینه‌کرد به خدمات پایه در جامعه میزبان است. از منظر فقهی، لزوم هزینه‌کرد در این حوزه بر مبنای قاعده عدل و انصاف، قابل توجیه است.

۵-۳-۱. تطبیق قاعده عدل و انصاف بر لزوم پرداخت هزینه توسعه اجتماعی

لزوم رعایت عدل و انصاف، قاعده‌ای مسلم است که پیش از آنکه شرع از آن سخن گوید، از بدیهیات عقلی به‌شمار می‌رود. از منظر عقل، عدل و انصاف، دارای حسن ذاتی است و ظلم، امری، قبیح محسوب می‌شود (سبفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۰).

در کتب فقهی، به نحو پراکنده در موارد مختلف از این قاعده سخن گفته شده است. از جمله در مقام حل نزاع و اختلاف، یا در موضع تقسیم اموال مشترک به این قاعده تمسک بسته گردیده است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۹). به نحو کلی، قاعده مزبور، قاعده‌ای عام تلقی گردیده که در تمام ابواب فقه جاری است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۴۳).

این قاعده از آن جهت می‌تواند توجیهی برای لزوم هزینه‌کرد صنایع در راستای توسعه جوامع میزبان به‌شمار رود که اولاً هر واحد تولیدی، حتی بر فرض رعایت استانداردها خواه ناخواه باعث تغییر در آب، هوا و خاک منطقه میزبان می‌شود؛ از این رو عدالت، حکم می‌کند جهت ارتقای سلامت زیست محیطی، بخشی از درآمد صنایع به جوامع میزبان اختصاص یابد. ثانیاً صنایع معمولاً از منابع طبیعی و زیرساخت‌های عمومی (آب، برق، راه) جوامع میزبان، بهره می‌برند؛ لذا عادلانه است که بخشی از ثروت حاصل را به آن جوامع بازگردانند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های تولیدی، حمل و نقل و مصرف منابع طبیعی، فشارهایی چون افزایش میزان تردد (برای مثال تردد سنگین کامیون‌ها و تانکرهای حمل مواد اولیه به‌طور مداوم جاده‌ها و مسیرهای دسترسی را تحت فشار می‌گذارد و نتیجه این امر، شلوغی و ترافیک جاده‌ها، احتمال بالای تصادف است) و افزایش مصرف آب و برق را بر جوامع میزبان تحمیل می‌کند که بنابر عدالت توزیعی می‌توان برای آنان نیز بهایی تعیین کرد. در مقابل، عدم تخصیص هزینه توسعه اجتماعی برای جوامع میزبان که بیشترین فشار از حضور صنایع، محتمل شده‌اند را می‌توان مصداق بارزی از بی‌عدالتی تلقی نمود؛ از آن حیث که صنایع معمولاً سود قابل توجهی از فعالیت خود کسب می‌کنند، این در حالی است که هزینه‌های محیطی و اجتماعی این سوددهی بر جوامع میزبان، تحمیل می‌شود؛ بنابراین تخصیص درآمد، گامی در جهت عدالت توزیعی و کاهش شکاف میان سود دهی صنعت و رفاه ساکنان جوامع میزبان است. در مقابل، ممکن است الزام چنین هزینه‌کردی با این نقد روبرو گردد که هزینه‌های این چنینی، فشار مالی بسیاری را بر صنایع، تحمیل می‌کند که به تبع آن می‌تواند تولید را با رکود متوقف سازد. همچنین نظر بر آنکه توسعه ملی، در گروه توسعه صنعتی است چنین مانع تراشی برای صنعت، توسعه کشور را مختل می‌گرداند. در پاسخ به این نقد باید گفت، اولاً مشارکت فعال در توسعه جامع میزبان و پرداخت هزینه‌های توسعه اجتماعی از سوی صنایع، شرکت‌ها را از ریسک تعطیلی موقت یا قطعی پروژه‌ها به دلیل اعتراضات مردمی می‌رهاند. در نتیجه ثبات تولید و سرمایه‌گذاری بلندمدت کشور تضمین می‌شود و از اختلالات گسترده در زنجیره تأمین پیشگیری

می‌شود (Vanclay, & Hanna, 2019). ثانیاً شرکت‌های بین‌المللی و بانک‌های توسعه‌ای معمولاً پروژه‌هایی را حمایت می‌کنند که دارای الزامات^۱ CSR و توسعه اجتماعی قوی باشند. برای مثال بانک جهانی (World Bank, 2018) و نهادهایی همچون IFC در چارچوب سیاست‌های محیطی و اجتماعی برای تأمین مالی پروژه‌ها و استانداردهای عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی خود، به صراحت از متقاضیان می‌خواهند که طرح‌های جامع توسعه اجتماعی را تدوین و اجرا کنند. تنها پروژه‌هایی که این الزامات را برآورده سازند از تسهیلات مالی ارزان‌قیمت و پشتیبانی فنی برخوردار می‌شوند (International Finance Corporation, 2012).

در نتیجه کشورهایی که در این مسئله، قوانین سخت‌گیرانه‌تری داشته باشند، بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران مسئول قرار گرفته و سرمایه خارجی پایدارتری را خواهند داشت؛ بنابراین اگرچه هزینه‌های توسعه اجتماعی در کوتاه مدت ممکن است فشار مالی بر صنایع وارد کند، اما در حقیقت، این هزینه‌ها بخش ناچیزی از کل هزینه تولید است که مزایای بلند مدت آن می‌تواند خسارات اولیه را جبران نماید و در نهایت به تسریع رشد ملی و توسعه اقتصادی پایدار منجر شود. آن‌گونه که پژوهش‌های صورت پذیرفته در این مسئله نیز به صراحت، چنین امری را تأیید می‌نمایند (Orlitzky, et al., 2003; Barnett-Page & Thomas, 2009).

۵-۳-۲. عملکرد قانونگذار ایران در این مسئله

در قوانین موضوعه ایران، مواردی چون آیین‌نامه اجرایی قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشی از فروش نفت خام برای عمران و آبادانی مناطق نفت خیز، به نحو کلی، هزینه‌کرد درآمد صنعتی در جامعه میزبان را مطرح نموده‌اند. همچنین در آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده، مواردی چون بهسازی، توسعه و حفاظت فضای سبز و گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی، جهت افزایش دسترسی، کاهش

1. Corporate Social Responsibility

ترافیک و آلودگی ناشی از خودروهای شخصی، مصادیقی از هزینه کرد صنعت در حوزه توسعه اجتماعی جامعه میزبان به شمار می‌رود. البته در حوزه توسعه اجتماعی در آیین‌نامه اجرایی مزبور، صرفاً هزینه کرد در جهت کاهش اثرات زیست‌محیطی مدنظر واقع شده است. در حالی که فعالیت صنایع نه تنها بر محیط زیست بلکه بر کیفیت زندگی ساکنین جوامع میزبان نیز اثر گذار است؛ از این رو آنچه ضروری است هزینه کرد بخشی از درآمد در راستای رفاه ساکنین این مناطق است. ارتقای بیشتر زیرساخت‌هایی که متأثر از فعالیت صنایع است نیز می‌تواند مصداق دیگری از هزینه کرد در حوزه توسعه اجتماعی به شمار رود. در واقع، هدف از تخصیص هزینه‌های توسعه اجتماعی باید تأمین جبران‌های متناسب با نیازها و شرایط ویژه هر جامعه میزبان و در راستای اجرای پروژه‌های آبادانی جوامع مزبور و ارتقای سطح رفاه ساکنین آن باشد؛ بنابراین مراد از هزینه توسعه را می‌توان تخصیص درآمد صنایع به فعالیت‌های عام‌المنفعه و توسعه محور در جامعه میزبان به‌شمار آوریم. البته مصرف منابع در این حوزه باید متناسب با توان مالی و سقف درآمدی هر صنعت و به‌صورت متغیر تعیین شود و نمی‌توان یک رقم یکسان را به‌طور مطلق برای همه صنایع در نظر گرفت. زیرا تعیین سهم هزینه، بدون توجه به درآمد واقعی صنعت، می‌تواند مصداقی از تکلیف‌لا‌یطاق به‌شمار رود. یا آنکه مستلزم عسر و حرجی گردد که از منظر شرعی، مردود دانسته شده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که هزینه کرد صنایع در جوامع میزبان را می‌توان به‌طور کلی در سه دسته اصلی شامل هزینه‌های جبران خسارت، هزینه‌های پیشگیری و کاهش ریسک و هزینه‌های توسعه اجتماعی طبقه‌بندی کرد. با توجه به آنکه فعالیت صنایع آلاینده غالباً موجب بروز خسارات متعدد زیست‌محیطی، بهداشتی و اقتصادی برای جوامع میزبان می‌گردد، از منظر فقهی و بر مبنای قواعد لاضرر و الخراج بالضمنان، صنایع آلاینده ملزم به پرداخت هزینه‌های جبران خسارت در این جوامع

هستند. همچنین، نظر به اینکه در فعالیت صنایع آلاینده، نوعاً منشأ ایجاد آلودگی و بروز خسارات زیست محیطی وجود دارد، عدم اقدام صنایع در زمینه پیشگیری و کاهش ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های خود در جوامع میزبان، می‌تواند به عنوان مصداقی از اضرار به غیر تلقی شود. از این رو، لزوم هزینه کرد صنایع در حوزه پیشگیری و کاهش ریسک، بر مبنای قاعده لاضرر، دارای توجیه فقهی است. افزون بر این، حتی در فرض عدم بروز آلودگی مستقیم، جوامع میزبان به واسطه استقرار و فعالیت صنایع، متحمل فشارهای محیطی، اجتماعی و زیرساختی می‌شوند. در چنین شرایطی، قاعده عدل و انصاف بر لزوم پرداخت هزینه‌های توسعه اجتماعی از سوی صنایع دلالت دارد. با این حال، مصرف منابع در این حوزه باید متناسب با توان مالی و سقف درآمدی هر صنعت و به صورت متغیر تعیین شود و هزینه کرد آن نیز در جهت تأمین جبران‌هایی متناسب با نیازها و شرایط خاص هر جامعه میزبان صورت پذیرد. با وجود آنکه از منظر فقهی، اصل مشروعیت وضع الزام قانونی نسبت به هزینه کرد صنایع آلاینده در حوزه‌های یاد شده قابل دفاع است، بررسی قوانین و مقررات موجود نشان می‌دهد که نظام تقنینی فعلی با کاستی‌های اساسی مواجه است. از یک سو، مقررات موجود عمدتاً ناظر به برخی صنایع خاص بوده و تمامی فعالیت‌های صنعتی دارای پیامدهای خارجی منفی را به صورت یکپارچه و فراگیر دربر نمی‌گیرد؛ امری که موجب عدم تعادل و ناهمگونی میان صنایع مختلف از حیث تکالیف زیست محیطی و مسئولیت اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، در مواردی که وجوهی تحت عناوین مختلف از صنایع آلاینده اخذ می‌گردد، ساز و کار مشخص، شفاف و الزام‌آوری برای نحوه هزینه کرد این مبالغ پیش‌بینی نشده است. به عبارت دیگر، قوانین موجود به روشنی تعیین نمی‌کنند که این منابع مالی باید دقیقاً در چه حوزه‌هایی، اعم از جبران خسارات زیست محیطی، پیشگیری و کاهش ریسک‌های آتی، یا توسعه و ارتقای رفاه اجتماعی جوامع میزبان، صرف شوند. این خلأ تقنینی، افزون بر کاهش کارایی سیاست‌های زیست محیطی، می‌تواند به انحراف در تخصیص منابع و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به عدالت و کارآمدی نظام تنظیم‌گری منجر گردد. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر بر ضرورت

تدوین قانون جامع و یکپارچه در زمینه مسئولیت صنایع آلاینده تأکید دارد؛ قانونی که ضمن شمول تمامی صنایع دارای پیامدهای خارجی منفی، نحوه تخصیص و مصرف وجوه دریافتی را نیز به صورت شفاف، هدفمند و مبتنی بر نیازهای واقعی جوامع میزبان تعیین نماید.



منابع

- آخوند خراسانی، محمد کاظم. (بی تا). کفایة الاصول. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- آیین نامه اجرایی بند الف، ماده ۱۴ قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۴.
- آیین نامه اجرایی قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشی از فروش نفت خام برای عمران و آبادانی مناطق نفت خیز، مصوب ۱۳۸۱.
- اعلانی، علی. (۱۳۹۸). بررسی مبانی و منابع حمایت از محیط زیست از منظر فقه و حقوق، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، صص ۲۰۶۷-۲۰۴۵.
- ترنر، آر. کری؛ پی یرس، دیوید ویلیام؛ بیتمن، ایان (۱۳۹۶)، اقتصاد محیط زیست، (مترجم: سیاوش دهقانیان و همکاران). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- خمینی، سید روح الله. (بی تا). کتاب البیع (ج ۱) تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رضایی، مسعود؛ سلیمانی، الهه. (۱۴۰۴). گزارش آسیب شناسی عوارض سبز (آلاینده‌گی) واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و خدماتی در کشور و ارائه پیشنهادهای تقنینی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، مطالعات زیربنایی (گروه محیط زیست)، شماره مسلسل: ۲۰۵۷۶، کد موضوعی: ۲۵۰.
- سیفی، علی اکبر. (بی تا)، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهية الاساسية. قم: بی نا.
- شفیعی مازندرانی، سید محمد. (۱۳۹۴). اهتمام به محیط زیست در فقه و فرهنگ امام خمینی عليه السلام، سیاست پژوهی ایرانی، شماره ۶، صص ۳۲-۷.
- قانون حفاظت از خاک، مصوب ۱۳۹۸.
- قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب، ۱۴۰۰.

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴.

کشمیری، سعید؛ پردل، صفورا؛ رئیسی، علیرضا؛ نبی پور، ایرج و همکاران (۱۳۹۷). بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از صنایع گاز و پتروشیمی و اثرات آن بر سلامت ساکنین منطقه عسلویه، پایتخت انرژی ایران: یک مطالعه موردی، طب جنوب، شماره ۲، صص ۱۸۵-۱۶۲.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مرتضایی، هاجر؛ سامتی، مرتضی (۱۴۰۲). تعیین اثرگذاری مالیات سبز بر رشد صنایع آلاینده شهر، پژوهش‌های فضا و مکان در شهر، شماره ۲۷، صص ۹۷-۱۰۷.

مصطفوی، سیدمحمد کاظم. (۱۴۲۱ق). مائة قاعدة فقهية (چاپ چهارم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
طالب (ع).

Al-Wahaibi, A., & Zeka, A. (2015). Health impacts from living near a major industrial park in Oman. *BMC Public Health*, 15, 524.

Barnett-Page, E., & Thomas, J. (2009). Methods for the synthesis of qualitative research: a critical review. *BMC Med Res Methodol*, 9(59).

California Legislative Information. (2012). *Senate Bill No. 535: An act to add Section 39713 to the Health and Safety Code, relating to greenhouse gas reduction fund and disadvantaged communities* (2011-2012 Reg. Sess.). Retrieved July 20, 2025, from https://leginfo.legislature.ca.gov/faces/billTextClient.xhtml?bill_id=201120120SB535

Eom, S. Y., Choi, J., Bae, S., Lim, J. A., Kim, G. B., Yu, S. D., Kim, Y., Lim, H. S., Son, B. S., Paek, D., Kim, Y. D., Kim, H., Ha, M., & Kwon, H. J. (2018). Health effects of environmental pollution in population living near industrial complex areas in Korea. *Environmental Health and Toxicology*, 33(1), Article e2018004.

- European Environment Agency. (2022). *Impacts of air pollution on ecosystems*.
<https://www.eea.europa.eu/publications/air-quality-in-europe-2022/impacts-of-air-pollution-on-ecosystems>
- Fang, Z., Wu, P.-Y., Lin, Y.-N., Chang, T.-H., & Chiu, Y.-H. (2021). *Air pollution's impact on the economic, social, medical, and industrial injury environments in China*. *Healthcare (Basel)*, 9(3), 261.
- International Finance Corporation. (2012). *IFC Performance Standards on Environmental and Social Sustainability*. Washington, DC: International Finance Corporation. Retrieved from <https://www.ifc.org/content/dam/ifc/doc/2023/ifc-performance-standards-2012-en.pdf>
- Matsumoto, Y., & Allen, J. (2023). The role of lean production principles in achieving environmental sustainability and enhancing supply chain efficiency: A case study of the production systems at Toyota and Boeing. *International Journal of Environmental Policy*, 9(2), 112–130
- Mustafa, S. A., Al-Rudainy, A. J., & Salman, N. M. (2004). *Effect of environmental pollutants on fish health: An overview*. *Egyptian Journal of Aquatic Research*, 50(2), 225-233.
- PRS Legislative Research. (2021). *Mines and Minerals (Development and Regulation) Act, 1957 and Amendments*. Retrieved from <https://prsindia.org/billtrack/the-mines-and-minerals-development-and-regulation-amendment-bill-2015>
- Orlitzky, M., Schmidt, F.L. and Rynes, S.L. (2003) Corporate Social and Financial Performance: A Meta-Analysis. *Organization Studies*, 24, 403-441.
- Ovwigbo, A. (2025, July 25). *Beyond three years of the PIA: Legal and regulatory impact on Nigeria's oil and gas sector*. Mondaq. Retrieved from <https://www.mondaq.com/nigeria/renewables/1655786/beyond-three-years-of-the-pia-legal-and-regulatory-impact-on-nigerias-oil-and-gas-sector>
- Rahman, M. M., Alam, K., & Velayutham, E. (2021). *Is industrial pollution detrimental to public health? Evidence from the world's most industrialised countries*. *BMC Public Health*, 21, 1175.

Tam, M. K. C., Ferrer Marti, I., Kamkar, M., Serrano, J. F., Moores, A., Licence, P., ... Subramaniam, B. (2023). *Combating threats to water, air and soil, our precious natural resources*. *ACS Sustainable Chemistry & Engineering*, 11(43), 15503-15505.

Vanclay, F., & Hanna, P. (2019). Conceptualizing Company Response to Community Protest: Principles to Achieve a Social License to Operate. *Land*, 8(6)

World Bank. (2018). *Environmental and Social Policy for Investment Project Financing*. Washington, DC: World Bank. Retrieved from <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/360141554756701078-0290022019/original/WorldBankEnvironmentalandSocialPolicyforInvestmentProjectFinancing.pdf>

Zhang, Y., Liu, H., Wang, M., & Chen, Q. (2025). The environmental effects of an environmental damage compensation system: Evidence from a quasi-natural experiment in China. *Frontiers in Environmental Science*, 13, Article 1455563. <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fenvs.2025.1455563/full>